



رونق اقتصادی؛ رکن مهم باز آفرینی شهری موفق

دکتر حمیده امجدی^۱

۱) آیا نوع تقاضا برای سکونت در آن مانند الگوی معمول تقاضا در شهر است، یا از ویژگی‌های منحصر به فردی چون سکونت دسته‌جمعی کارگران، سکونت گروه‌های شبه خانواده و یا مهاجران روستایی برای پیوستن به بازار کار و مواردی از این دست برخوردار است؟

۲) آیا تبدیل تدریجی ابنیه مسکونی بویژه در اطراف بازارها به سایر کاربری‌ها نظیر انبارداری یا کارگاه تبدیل ضایعات و موارد مشابه، آن را از شکل معمول محلات مسکونی خارج نموده و فرآیند جدایی از بدنه طبیعی شهر را در آن سرعت داده است؟

۳) آیا انواع کاربری‌های معمول در هر محله شهری، با همان تعداد و نسبت در این محلات هم وجود دارد یا اینکه این نسبت و درصد سهم‌ها در حال تغییر است؟

۴) الگوی سکونت در این محلات از حیث تعداد، تنوع، شکل و گستردگی مانند کل شهر است یا با ساختار دیگری در حال تحول است؟

۵) "بخش ساختمان" همانند روند عمومی شهر در این منطقه هم حضور داشته و فعال است و ساخت‌وسازهای شهری با همان ضرب‌آهنگ در حال انجام است یا اینکه این روند در چنین محلاتی کندتر است؟

۶) بنگاه‌های اقتصادی میل و گرایش به ایجاد دفاتر و شعب بیشتر در این محلات، حداقل در حد آنچه که در متوسط شهر رایج است دارند یا اینکه رکودی از این حیث در چنین محلاتی احساس می‌شود.

۷) ضریب خانوار بر واحد مسکونی در این محلات مشابه شرایط معمول شهر است، یا الگوی سکونت چند خانواری یا شبه خانوارها در یک واحد مسکونی در حال افزایش است.

۸) سهم نحوه تصرف استیجاری در این محلات بیشتر از متوسط شهر بوده، در حال افزایش است یا نه؟ اگر این نشانه‌ها در محله مشاهده می‌شود بنابراین می‌توان با اطمینان بیشتری نسبت به میزان «فرسودگی» بافت و سپس درباره راه‌کارهای برون‌رفت از آن اندیشید و تلاش منسجمی را برای احیاء و بازگرداندن این محلات به بدنه اصلی شهر آغاز کرد.

بافت فرسوده را بنا به تعاریف معمول و مورد استناد باید بخش‌هایی از شهر تلقی کنیم که تدریجاً علایم طبیعی حیاتشان را از دست می‌دهند. به نوعی که این نشانه‌ها و علایم در آن‌ها تا حدی کم‌شمار و محدود می‌شوند که موجب انفصال از بدنه اصلی شهر شده و به صورت زائده‌ای نسبتاً غیر فعال در می‌آیند. در این شرایط ابتدا باید علت بروز چنین پدیده‌ای را بدانیم تا تدارک راه‌های اصلاح و بهبود ممکن و مقرون به هدف باشند.

به طور طبیعی ابتدایی‌ترین تدارکات برای تجویز راه‌حلی جهت درمان را باید در رفع مشکلی جست‌وجو کرد که موجب بروز این پدیده شده است.

اگر نخستین علت محو شدن علایم حیاتی در بافت‌های فرسوده را به سبب نوعی انفکاک و انقطاع کارکردی فونکسیونل^۲ این بخش نسبت به بدنه اصلی شهر تلقی کنیم، فرآیندی که در بدن موجودات زنده با گرفتگی یا بسته شدن رگ‌های خون‌رسان به بافت آسیب‌دیده توضیح داده می‌شود، این بار با سازوکار مشابهی می‌تواند فرآیند شکل‌گیری بافت‌های فرسوده را هم توضیح دهد. بنابراین به طور طبیعی ابتدایی‌ترین تدارکات برای تجویز راه‌حلی جهت درمان را باید در رفع مشکلی جست‌وجو کرد که موجب بروز این پدیده شده است، تا راه بازگشت مجدد این عضو به حیات و رونق زندگی را میسر ساخت. برای شناخت این فرآیند با چند نشانه مقدماتی می‌توان آغاز کرد، تا بتوان دریافت این بخش، که آن را در گروه بافت‌های فرسوده آورده‌ایم، آیا به درستی شناسایی و طبقه‌بندی شده‌اند یا نه؟ یکی از مناسب‌ترین روش‌ها این است که دریا بیم این بخش از شهر با علایم معمول بخش‌های دیگر شهر که آن را غیر فرسوده می‌شماریم، رفتار می‌کنند یا نه؟ به مواردی در زیر اشاره می‌کنیم: